



«مقاله پژوهشی»

تبع اثر معماری به کمک مدل نقد زبان، قدرت، نیرو

نمونه موردی: ساختمان کنگره ملی برزیل

سارا دشت گرد^۱ (استادیار گروه معماری، واحد هشتگرد، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران)
فهیمة عبیری (دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه
آزاد اسلامی، تهران، ایران).

دریافت ۱۴۰۳/۱۰/۱۸

پذیرش ۱۴۰۳/۱۲/۱۹

شهرسازی و معماری ایران، پاییز (۱۴۰۳)، ۱ (۲)، ۱۷-۳۰

Abstract

This study aims to explain the effect of architecture from the perspective of the language, power, and force critique model, and analyzes the Brazilian National Congress building as a prime example of the interaction between architectural form and social and political power structures. This study is based on the assumption that architecture is not only a reflection of cultural and political values, but also can act as a tool for reproducing the discourse of power in public space. The research method in this article is a combination of a qualitative and interpretive approach using critical discourse analysis, which is based on Norman Fairclough's model, at three levels of description, interpretation, and explanation. In this regard, first, the physical and symbolic elements of the building are analyzed, then these elements are examined in the discursive and historical context of the time of its construction. The research findings show that the symbolic design and specific volumetric composition of this building, especially the contrast between the two administrative towers and the legislative and executive domes, represent a kind of representation of balance and at the same time a challenge to power in the Brazilian political structure. This research concludes that architecture can play a role as a visual language in the production and transmission of concepts of power, and reading it from the perspective of critical theories provides a tool for a deeper understanding of the interplay between space, ideology, and politics.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین اثر معماری از منظر مدل نقد زبان، قدرت و نیرو، به تحلیل ساختمان کنگره ملی برزیل به عنوان نمونه‌ای شاخص از تعامل میان فرم معماری و ساختارهای قدرت اجتماعی و سیاسی می‌پردازد. این مطالعه بر این فرض استوار است که معماری نه تنها بازتابی از ارزش‌های فرهنگی و سیاسی است، بلکه می‌تواند به مثابه ابزاری برای بازتولید گفتمان قدرت در فضای عمومی عمل کند. روش تحقیق در این مقاله ترکیبی از رویکرد کیفی و تفسیری با بهره‌گیری از تحلیل گفتمان انتقادی است که بر پایه مدل نورمن فرکلوف، در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین انجام شده است. در این راستا، ابتدا عناصر کالبدی و نمادین ساختمان مورد تحلیل قرار گرفته، سپس این عناصر در بستر گفتمانی و تاریخی زمان ساخت آن بررسی شده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که طراحی نمادین و ترکیب حجمی خاص این بنا، به ویژه تضاد میان دو برج اداری و گنبدهای تقنینی و اجرایی، نمایانگر نوعی بازنمایی از توازن و در عین حال چالش قدرت در ساختار سیاسی برزیل است. این پژوهش نتیجه می‌گیرد که معماری می‌تواند به عنوان یک زبان بصری در تولید و انتقال مفاهیم قدرت ایفای نقش کند و خوانش آن از منظر نظریه‌های انتقادی، ابزاری برای درک عمیق‌تر از تأثیرات متقابل میان فضا، ایدئولوژی و سیاست فراهم می‌آورد.

Key Words: Architectural work, model, language criticism, power, force, semiotics

کلمات کلیدی: اثر معماری، مدل، نقد زبان، قدرت، نیرو،

نشانه‌شناسی

مقدمه

معماری، به عنوان یکی از پیچیده ترین اشکال بیان فرهنگی و اجتماعی، همواره فراتر از کارکردهای صرفاً مادی خود عمل کرده و در عرصه های گفتمانی، سیاسی و ایدئولوژیک نقش ایفا کرده است. از این منظر، فضاهای معماری را نمی توان تنها به عنوان پاسخ هایی به نیازهای عملکردی یا زیباشناختی تحلیل کرد، بلکه آن ها حامل نشانه ها، معانی و روابط قدرتی هستند که در ساختار اجتماعی بازتاب می یابند و هم زمان به بازتولید آن کمک می کنند (Cuff, ۲۰۲۰). در سال های اخیر، پژوهش های میان رشته ای میان معماری، مطالعات فرهنگی و نظریه های گفتمان، زمینه ای نو برای فهم معماری به عنوان یک رسانه فرهنگی و سیاسی گشوده اند (Jones, ۲۰۲۱). این دیدگاه، معماری را نه صرفاً به عنوان یک محصول طراحی، بلکه به مثابه یک «متن» واجد معنا تلقی می کند؛ متنی که همچون زبان، قابلیت خوانده شدن، رمزگشایی و تفسیر دارد و در دل مناسبات اجتماعی و سیاسی عمل می کند (Richardson & Micklethwaite, ۲۰۲۲).

در این میان، نظریه های انتقادی، به ویژه «تحلیل گفتمان انتقادی» با تأکید بر ارتباط میان زبان، قدرت و ایدئولوژی، رویکردی کارآمد برای فهم لایه های پنهان در طراحی و دریافت معماری فراهم آورده اند. مدل سه سطحی نورمن فرکلاف، که شامل سطوح توصیف (ویژگی های صوری)، تفسیر (روندهای تعامل) و تبیین (روابط اجتماعی و ساختارهای قدرت) است، بستری نظام مند برای تحلیل چگونگی ایفای نقش معماری در تولید، بازتولید یا مقاومت در برابر گفتمان های قدرت ارائه می دهد (Fairclough, ۲۰۱۸). به کارگیری این مدل در مطالعات معماری، به ویژه در دهه اخیر، سبب شده تا معماران و پژوهشگران بتوانند وجوهی از فضای ساخته شده را مورد بررسی قرار دهند که پیش تر در چارچوب های صرفاً زیبایی شناسانه یا عملکردی نادیده گرفته می شد (Smith, ۲۰۲۱).

در این راستا، ساختمان کنگره ملی برزیل به عنوان یکی از نمادین ترین پروژه های معماری مدرن در نیم کره جنوبی و اثری از اسکار نیمایر، فرصتی منحصر به فرد برای تحلیل رابطه میان فرم معماری و ساختارهای قدرت در بستر تاریخی و سیاسی خاص خود فراهم می آورد. طراحی این ساختمان در دل پروژه مدرنیستی برزیل، نه تنها بیانگر نوعی آرمان شهرگرایی مدرن بود، بلکه تجسمی عینی از گفتمان توسعه، اقتدار دولت و نظم اجتماعی نوین در دهه های میانی قرن بیستم به شمار می رفت (Costa, ۲۰۲۰). از دیدگاه گفتمان شناسی، عناصر فرمیک ساختمان — از جمله تضاد میان برج های عمودی و گنبدهای

افقی، فضای باز پیرامون، و جانمایی بنا در ساختار شهری — واجد دلالت هایی هستند که فراتر از عملکرد، به مفاهیم نمادین و سیاسی گره خورده اند.

امروزه، با افزایش حساسیت ها نسبت به نقش فضاهای معماری در بازنمایی یا تقویت ساختارهای سلطه و ایدئولوژی های دولتی، بازخوانی نمونه هایی همچون کنگره ملی برزیل با بهره گیری از ابزارهای تحلیلی انتقادی، امری ضروری می نماید. زیرا از یک سو، این بنا همچنان به عنوان بخشی از هویت سیاسی و فرهنگی برزیل ایفای نقش می کند و از سوی دیگر، نقدهای معاصر نسبت به پروژه های مدرنیستی و پیامدهای اجتماعی آن ها، نیاز به بازاندیشی در خوانش این آثار را تقویت کرده است (Pinto & Lima, ۲۰۲۳).

بر همین اساس، این پژوهش تلاش دارد با بهره گیری از مدل تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، به واکاوی اثر معماری کنگره ملی برزیل پرداخته و نشان دهد که چگونه مؤلفه های کالبدی و نمادین این بنا، در خلق و بازتولید گفتمان قدرت سیاسی ایفای نقش کرده اند. این تحلیل با تمرکز بر پیوند میان زبان معماری و نیروهای اجتماعی، زمینه ای برای فهم عمیق تر از کنش های معماری در عرصه سیاست فراهم می آورد.

مطالعه حاضر می کوشد با عبور از خوانش های مرسوم فرمالیستی، معماری را به مثابه امری گفتمانی و اجتماعی تحلیل کرده و نقش آن در شکل گیری، تثبیت یا چالش برانگیزی قدرت سیاسی را تبیین کند. در این میان، ساختمان کنگره ملی برزیل همچون متنی معماری در معرض خوانش انتقادی قرار گرفته و از خلال آن، چگونگی شکل گیری معنا در معماری در تعامل با قدرت مورد بررسی قرار می گیرد.

پرسش اصلی تحقیق:

چگونه معماری ساختمان کنگره ملی برزیل از طریق عناصر کالبدی و نمادین خود، در تولید و بازنمایی گفتمان قدرت سیاسی برزیل ایفای نقش کرده است؟

بیان مسئله

نقد معماری، کمتر به عنوان یک فرآیند نظام مند و سازمان یافته، مورد بررسی واقع شده است. عدم وجود پیکره ای واحد، که بتوان در مباحث و تحلیل های نقادانه وادی معماری بدان تمسک جست، خود شاهدی بر این ادعاست. نامتوالی بودن تلاش های انجام شده در زمینه نقد معماری، باعث شده این مقوله هرگز نتواند به عنوان یک رشته تخصصی یا فرآیندی انتظام یافته قد علم کند (اتو، وین، ۱۳۹۴: ۱۷). کامران افشار نادری، از منتقدان معماری معاصر ایران، وضعیت نوشتن درباره معماری ایران را اینگونه ارزیابی می کند: "معماری ما سال های سال بدون نقد سر می گرد و مشکلی نیز ظاهراً وجود نداشت. نیاز امروزی، اگر وجود داشته باشد، از آنجایی است که عده ای گفتند به نقد نیاز داریم و به نظریه نیاز داریم؛ زیرا مسئله کیفیت

معماری برای ایشان به مسئله‌ای اساسی تبدیل شده (رئیس، ایمان، ۱۳۹۸:۱۲).

منابع آثار، علاوه بر بازنمود ویژگی‌های زبانی و آثار، گاه ویژگی‌های آثار معماری دوران اسلامی و علت نامگذاریشان را نیز تشریح کرده‌اند (جودکی عزیزی، اسد الله و موسوی حاجی، سید رسول، ۱۳۹۴:۹۳). با وجود پژوهش‌هایی که تا کنون در زمینه معماری انجام گرفته است، هنوز شناخت کافی از الگوهای ساخت برخی از آثار معماری وجود ندارد. از دلایل این کمبود، بهره‌نگرفتن فراگیر از داده‌های منابع آثار است. حضور پرشمار واژگان معماری در آثار کهن که گاه بیانگر صورتی از استعاره یا تشبیه است، درجه‌هایی به بازیافت طرح، الگو و نام گونه‌های معماری را فرا رو می‌نهد که در پژوهش‌های معماری به آن توجه درخور نشده است (جودکی عزیزی، اسدالله و موسوی، سید رسول، ۱۳۹۵:۱۶۹).

معماری به عنوان یک زبان بصری، قادر به بیان مفاهیم عمیق اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. در این راستا، قدرت و هویت ملی به عنوان دو عنصر کلیدی در شکل‌دهی به فضاها و ساختمان‌ها، نقشی برجسته در تفسیر معماری ایفا می‌کنند. ساختمان کنگره ملی برزیل، طراحی اسکار نیمایر، نمونه‌ای بارز از این موضوع است که چگونه یک اثر معماری می‌تواند به عنوان یک بیانیه قدرت و تجلی هویت ملی عمل کند.

ساختمان کنگره ملی برزیل به عنوان یک اثر هنری و معماری که توسط اسکار نیمایر طراحی شده است، نه تنها یک مکان اداری و سیاسی، بلکه یک بیان بصری قوی از دموکراسی و هویت فرهنگی برزیل است. امبرتو اکو با رویکرد خود نسبت به زبان و قدرت کمک می‌کند تا ما بهتر درک کنیم که چگونه معماری به عنوان یک زبان می‌تواند معانی اجتماعی و سیاسی را منتقل کند. این ساختمان با طراحی منحصر به فرد و ارتباطات بصری که ایجاد می‌کند، به عنوان یک نماد از امید، آزادی و تبادل نظر در یک جامعه دموکراتیک به یادگار می‌ماند. این مقاله در نظر دارد تا از منظر مدل نقد زبان، قدرت و نیرو، تحلیل کند که چگونه این بنا به عنوان نشانه‌ای از ایدئولوژی سیاسی، ساختار اجتماعی و هویت فرهنگی عمل می‌کند. همچنین، این بررسی به کشف ابعاد معنایی و تأثیرات اجتماعی طراحی این بنا می‌پردازد و بررسی می‌کند که چگونه این ساختمان به نوعی زبان بصری از قدرت و هویت ملی تبدیل شده است.

جزئیات بصری: چگونه فرم و طراحی کنگره ملی به بیان قدرت و هویت ملی برزیل کمک می‌کند؟

رابطه فضای عمومی و اجتماعی: چه نقشی فضاهای عمومی در اطراف کنگره ملی در ارتقاء حس مشارکت شهروندان در فرآیند سیاسی دارد؟

معنای نمادین: چه پیام‌ها و ایدئولوژی‌هایی از طریق این ساختمان منتقل می‌شود و چگونه این معناها در طول زمان تکامل یافته است؟

معماری به عنوان یکی از بنیادی‌ترین نمودهای فرهنگی بشر، همواره نقش مهمی در شکل‌دهی به فضاهای اجتماعی و ساختارهای سیاسی ایفا کرده است. در عصر مدرن، این نقش نه تنها در قالب عملکرد و زیبایی‌شناسی، بلکه در سطوح عمیق‌تری همچون تولید معنا، بازنمایی ایدئولوژی و بازتولید روابط قدرت نمود یافته است. بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که معماری نه فقط بازتابی از نظم اجتماعی موجود، بلکه عنصری فعال در بازتولید آن است؛ بدین معنا که فضاها و فرم‌های کالبدی، به‌طور ناخودآگاه، مفاهیمی از قدرت، سلطه یا مقاومت را به مخاطب القا می‌کنند (Heynen, ۲۰۲۱). تحلیل این مفاهیم نهفته، نیازمند بهره‌گیری از رویکردهای نظری است که بتوانند معماری را فراتر از ساختارهای عینی، در قالبی گفتمانی و انتقادی تفسیر کنند.

در این میان، مدل نقد زبان، قدرت و نیرو نورمن فرکلاف، یکی از مؤثرترین چارچوب‌ها برای تحلیل سازوکارهای قدرت در متون گفتمانی است؛ چارچوبی که با توجه به ماهیت زبان‌محور خود، قابلیت تعمیم به متون غیرکلامی نظیر معماری را نیز دارد (Fairclough, ۲۰۱۸). بر اساس این رویکرد، معماری را می‌توان همچون یک متن اجتماعی فهم کرد که در بستر خاص خود، دلالت‌هایی از قدرت، ایدئولوژی و نظم اجتماعی را در خود جای داده است.

نمونه برجسته‌ای از این پیوند میان معماری و گفتمان قدرت، ساختمان کنگره ملی برزیل است؛ بنایی که در قلب پایتخت سیاسی کشور و در بستر پروژه‌ای مدرنیستی به رهبری اسکار نیمایر شکل گرفته و واجد بار معنایی عمیقی از مفاهیم نظم، توازن قوا و ایدئولوژی حاکم بر دولت وقت برزیل است (Oliveira, ۲۰۲۱). فرم‌های نمادین این بنا، از جمله دو برج عمودی و گنبد‌های متقارن، اگرچه در نگاه اول صرفاً زیبایی‌شناسانه به نظر می‌رسند، اما در واقع در ساختار ناخودآگاه جمعی شهروندان، نقش بسزایی در تثبیت نظم سیاسی و مشروعیت حاکمیت ایفا کرده‌اند. با این حال، تاکنون تحلیل‌های معدودی به بررسی این رابطه از منظر گفتمانی و با تکیه بر مدل‌های انتقادی پرداخته‌اند.

فقدان مطالعات میان‌رشته‌ای که بتوانند فرم معماری را نه صرفاً در قالب عناصر کالبدی، بلکه به عنوان بخشی از گفتمان سیاسی و اجتماعی تحلیل کنند، موجب شده تا بسیاری از معانی پنهان و پیام‌های قدرت در طراحی فضاهای حکومتی مغفول بماند. این خلأ به‌ویژه در مورد تحلیل بناهای شاخص مدرنیستی در جهان جنوب، نظیر برزیل، محسوس‌تر است؛ چرا که این بناها عموماً در بستر روایت‌هایی از توسعه، پیشرفت و نظم ملی ساخته شده‌اند و تفسیر آن‌ها مستلزم خوانشی انتقادی و مبتنی بر مفاهیم قدرت است (Martínez & Cruz, ۲۰۲۰).

از سوی دیگر، تحلیل قدرت در معماری مدرن و رابطه آن با روایت‌های کلان توسعه، مدرنیته و دولت‌سازی، یکی از مباحث کلیدی در مطالعات اخیر بوده است. دیوی (Dovey, ۲۰۲۱) با بررسی ساختارهای فضایی قدرت در پروژه‌های مدرن، به این نتیجه می‌رسد که فرم، جهت‌گیری بصری، و نحوه سازماندهی فضاها در معماری سیاسی، اغلب در راستای شکل‌دهی به ادراک شهروندان و بازتولید نظم رسمی عمل می‌کنند. در همین راستا، آثار اسکار نیمایر، معمار برجسته پروژه برزیل، به‌ویژه ساختمان کنگره ملی برزیل، همواره در کانون توجه مطالعات انتقادی قرار داشته‌اند. این پروژه، با بهره‌گیری از فرم‌های گویا، تقارن هندسی و نشانه‌گذاری فضایی، کوشیده است مفاهیمی نظیر توازن قوا، اقتدار، و شفافیت را در ساختار حکمرانی بازنمایی کند.

مطالعه‌ای از آلَمیدا و پینتو (Almeida & Pinto, ۲۰۲۱) نشان می‌دهد که جانمایی دقیق ساختمان کنگره در محور اصلی برزیل، در راستای تثبیت نظم سیاسی و مرکزیت قدرت در پایتخت طراحی شده است. به‌علاوه، گنبد، برج‌های دوقلو، و سطوح وسیع فضای باز پیرامون بنا، در ترکیبی نمادین، پیام‌هایی از ثبات، وحدت و کنترل را به شهروندان منتقل می‌کنند. در پژوهشی دیگر از لویز و سیلوا (Lopes & Silva, ۲۰۲۲)، کنگره ملی برزیل به‌عنوان ابژه‌ای گفت‌مانی تحلیل شده که با ایجاد توازن نمادین میان قوا، بازتاب‌دهنده آرمان نظم سیاسی نوین پس از دهه ۵۰ میلادی در برزیل است.

در همین راستا، نقدهایی نیز نسبت به میراث پروژه‌های مدرنیستی همچون برزیل مطرح شده است؛ منتقدانی همچون اولیویرا (Oliveira, ۲۰۲۱) استدلال می‌کنند که با وجود پیام‌های ظاهراً دموکراتیک، چنین فضاهایی در عمل شکلهایی از قدرت متمرکز، حذف تنوع اجتماعی و کنترل نمادین شهروندان را بازتولید کرده‌اند. همچنین، در پژوهش هارتن (Harten, ۲۰۲۳) درباره سیاست‌های فضایی معماری مدرن در نهادهای حکومتی، معماری به‌عنوان نوعی «سیاست سکوت» معرفی شده که از طریق فرم‌های بی‌کلام خود، معانی عمیقی از قدرت را تثبیت می‌کند، بدون آن‌که به زبان گفتاری یا نوشتاری متوسل شود.

با توجه به مجموع این مطالعات، جای خالی پژوهشی که به‌طور مشخص از مدل نقد زبان، قدرت و نیرو برای تحلیل فرم‌های معماری در فضاهای حکومتی بهره‌گیرد، همچنان مشهود است. همچنین تحلیل‌های گفت‌مانی عمدتاً به عرصه زبان محدود مانده‌اند و ظرفیت تحلیل در متون غیرکلامی مانند معماری کمتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این امر نشان می‌دهد که مطالعه ساختمان کنگره ملی برزیل از منظر نقد گفت‌مان می‌تواند نه تنها شکاف‌های نظری موجود را پر کند، بلکه روشی نوین در درک معانی قدرت در فضاهای کالبدی ارائه دهد.

بر این اساس، مسئله اصلی تحقیق حاضر، ضرورت تحلیل معماری ساختمان کنگره ملی برزیل به‌عنوان متنی گفت‌مانی و حامل مفاهیم قدرت است؛ تحلیلی که با بهره‌گیری از مدل نقد زبان، قدرت و نیرو می‌کوشد نشان دهد که چگونه عناصر طراحی این بنا، نه فقط بازتابی از ساختار سیاسی، بلکه عنصری فعال در بازتولید آن بوده‌اند. این رویکرد می‌تواند چشم‌انداز تازه‌ای برای تحلیل معماری سیاسی و فضاهای نهادی در بسترهای فرهنگی متفاوت فراهم آورد.

پیشینه تحقیق

در دهه‌های اخیر، رویکردهای میان‌رشته‌ای در مطالعات معماری به‌گونه‌ای چشمگیر گسترش یافته‌اند و تحلیل معماری از منظر گفت‌مان، به‌ویژه با اتکا به نظریه‌های انتقادی، جایگاهی برجسته یافته است. در این میان، تلقی معماری به‌مثابه یک نظام معنایی و گفت‌مانی، ریشه در این باور دارد که فضاهای ساخته‌شده همانند متون اجتماعی، حامل پیام‌هایی از قدرت، هویت، ایدئولوژی و ساختارهای فرهنگی‌اند. این دیدگاه که نخست در نظریه‌های فضای اجتماعی هنری لوفور (Lefebvre, ۲۰۱۷) و روایت‌پردازی معماری در آثار آلبرتو پِرز-گومز (Pérez-Gómez, ۲۰۱۹) مطرح شد، بعدها در قالب نقد گفت‌مان انتقادی تقویت شد. لوفور فضای معماری را به‌عنوان نتیجه‌ای از روابط اجتماعی و نیروهای سیاسی تحلیل می‌کند و تأکید دارد که تولید فضا با بازتولید نظم اجتماعی پیوندی ناگسستنی دارد.

در این مسیر، نورمن فرکلاف با ارائه مدل تحلیلی سه‌لایه خود در نقد زبان، قدرت و نیرو، زمینه‌ای فراهم کرد که بتوان معماری را نیز مانند زبان، متنی اجتماعی با ساختارهای درونی و بینامتنی تلقی کرد که بازتاب‌دهنده و بازتولیدکننده قدرت است. (Fairclough, ۲۰۱۸) کاربرد این مدل در حوزه‌هایی مانند رسانه، سیاست، و فرهنگ تثبیت شده، اما استفاده از آن در تحلیل معماری، به‌ویژه در کشورهای جنوب جهانی، هنوز به‌صورت محدود صورت گرفته است. در سال‌های اخیر پژوهش‌هایی در این راستا انجام شده‌اند که نقش سازه‌های نهادی و سیاسی را به‌مثابه ابزارهای تثبیت گفت‌مان‌های حاکم مورد واکاوی قرار داده‌اند. برای نمونه، در مطالعه‌ای از اسمیت و گارسیا (Smith & Garcia, ۲۰۲۰)، معماری نهادهای دولتی در کشورهای آمریکای لاتین به‌عنوان ابزاری برای بازنمایی ایدئولوژی و سامان‌دهی به ساختار قدرت تحلیل شده است.

جدول ۱: پیشینه پژوهش

ردیف	نویسندگان	سال انتشار	عنوان پژوهش	خلاصه تحقیق
۱	امیر منصوری	۱۳۷۹	روش نقد معماری ملاحظاتی در راه ترسیم روش نقد معماری به طور همه جانبه و با معیارهای روشن	این مقاله به ضرورت و چگونگی ایجاد یک سیستم جامع و شفاف برای نقد آثار معماری می‌پردازد. این تحقیق نشان می‌دهد که نقد معماری باید فرایندی منسجم و ساختاریافته باشد که بتواند ابعاد مختلف طراحی، عملکرد، زیبایی‌شناسی و تأثیرات اجتماعی و فرهنگی آثار را در نظر بگیرد.
۲	محمدجواد مهدوی نژاد	سال ۱۳۹۸	گفتمان معماری سرآمد: الگویی برای نقد آثار معماری معاصر	به کارگیری مفهومی، مانند معماری سرآمد، می‌تواند دستاویزی برای خلق یک الگو برای درک آثار معماری و به خصوص شکل دهی به الگویی برای نقد آثار معماری معاصر باشد.
۳	مهدی عباسی	سال ۱۳۹۲	پژوهشی در باب ارتقای اعتبار علمی نقدهای معماری تکنیکی برای استخراج معنای جامع اثر معماری	معنای جامع یک اثر معماری، که حاوی تحریکات حسی اثر تمامیت آن است را می‌توان در قالب مجموع‌های از صفات با بعد معنایی محدود ارائه کرد. گونه‌های که بر جامعیت ادراکی اثر منطبق باشد.
۴	پوریا دیوان بیگی، نسیم خانلو	سال ۱۳۹۵	تحلیل روش‌های طراحی آثار معماری اسکار نیمایر	نیمایر توانست اثری در معماری خلق کند که ماندگار شود و آن استفاده از خمیدگی‌ها و انحناهای آثارش را از کوه‌های برزیل، امواج رودها و دریاها و همچنین پیکر موزون زنان الهام گرفته است.
۵	مسعود مسعودی فر، مسعود کوچیکان	سال ۱۳۹۲ شماره ۳۲	پدیداری زبان معماری و شهرسازی اسلامی در بروز حقیقت اثر معماری؛ رویکردی کیهان‌شناختی و شناخت‌شناختی	زبان معماری امروز از واژگانی مانند فرم، مصالح و عملکردگرایی شکل می‌گیرد این واژگان نمی‌تواند پیوستگی با زبان الگو داشته باشد.
۶	حسین پور مهدی قائم مقامی	سال ۱۳۹۶ شماره ۵	پرسش از زبان معماری در امتداد زبان هستی	نتایج این تحقیق نشان می‌دهند که زبان معماری فراتر از یک چارچوب صرف کالبدی عمل کرده و به عنوان ابزاری برای بیان و تفسیر تجربه‌های انسانی، احساسات و دلالت‌های فرهنگی عمل می‌کند. این مقاله تأکید می‌کند که پرسش از زبان معماری تنها یک امر نظری نیست، بلکه به بحث‌های عملی و اجتماعی نیز می‌پردازد و می‌تواند به درک ما از موجودیت، زمان و مکان کمک کند.
۷	سمیرا رحیمی اتانی، کاوه بذرافشان، ایمان رئیسی	سال ۱۳۹۹	بازخوانی اثر معماری به کمک مدل نقد بینامتنی نمونه موردی: مسجد ولیعصر	مسجد ولیعصر به عنوان یک اثر مطلوب، نمونه‌ای از تعاملات میان معماری اسلامی و مدرن را به نمایش می‌گذارد. این تحلیل نشان می‌دهد که چگونه این اثر نه تنها بازتابی از زمان و مکان خاص خود است، بلکه در عین حال بر اساس دیالوگ میان متون مختلف معماری و فرهنگی شکل گرفته است.
۸	مطهره دانایی فر، زهره تقضلی	سال ۱۳۹۹	نظریه‌های اصلی نقد معماری در مغرب زمین: سیر تاریخی از سده نوزدهم تا امروز	این تحقیق نشان می‌دهد که نقد معماری در طی دو قرن گذشته از یک فعالیت ساده و شهودی به یک نگرش پیچیده و چندوجهی تبدیل شده است که تحت تأثیر عوامل اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی قرار دارد. از سده نوزدهم، رویکردهای مختلفی به نقد معماری معرفی شده‌اند، از جمله نظریه‌های تاریخ‌نگارانه، زیبایی‌شناختی و معاصر که هر یک به نحوی خاص بر روند توسعه‌ی معماری و شهرسازی تأثیر گذاشته‌اند.



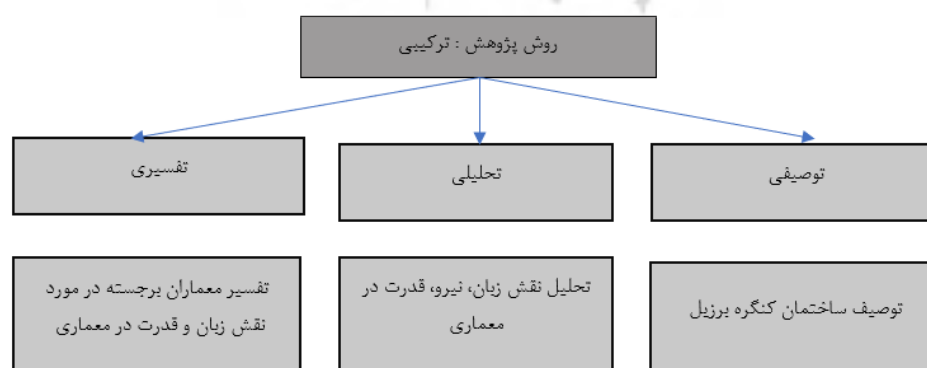
۹	الهه رحمانی، ایرج اعتصام، مصطفی مختاباد امرئی	مرداد سال ۱۳۹۶	تحلیلی بر چگونگی نقد و ارزیابی آثار معماری آوانگارد	این پژوهش به ضرورت گسترش گفت‌وگوها و مباحث نظری در حوزه‌ی نقد معماری اشاره دارد و بر این نکته تأکید می‌کند که نقد مؤثر می‌تواند به درک بهتری از ارزش‌ها و چالش‌های موجود در آثار آوانگارد کمک کند و مسیرهای جدیدی برای دیالوگ میان معماران و متخصصان ایجاد نماید.
۱۰	عرفان خصم افکن نظام، فرشته نویدی مجد	تابستان سال ۱۳۹۷	فرآیند دستیابی به زبان معماری واکنش گرا به بستر با بهره‌گیری از برنامه دهی دورک	این مقاله به بررسی چگونگی توسعه یک زبان معماری که به طور مؤثر با بستر خود ارتباط برقرار کند، می‌پردازد. بهره‌گیری از برنامه‌ریزی دورک به معماران کمک می‌کند تا به ساختارهای فضایی و ویژگی‌های فرهنگی و محیطی هر منطقه پاسخ دهند و در نتیجه طراحی‌هایی خلق کنند که نه تنها عملکردی باشند، بلکه هارمونی و ارتباط عمیق‌تری با محیط خود برقرار کنند.
۱۱	محسن اکبرزاده، مرضیه پیروای ونک، فرهنگ مظفر	سال ۱۳۹۸	نقد معماری مسجد نصیرالملک شیراز براساس نصوص دینی	این مقاله به تحلیل و بررسی ابعاد معنایی و زیبایی‌شناختی این اثر معماری با تکیه بر آموزه‌های دینی می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که طراحی و ساخت مسجد نصیرالملک نه تنها نمایانگر مهارت‌های فنی و هنری معماران آن دوران است، بلکه به‌طور عمیق با معانی و ارزش‌های دینی و فرهنگی مرتبط می‌باشد و بر این نکته تأکید می‌کند که فضاهای مذهبی باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که زمینه‌ساز تجربه‌های معنوی و تعامل با مفاهیم الهی باشند.

(ماخذ: نگارندگان)

روش تحقیق

اطلاعات و داده‌ها از طریق مطالعه متون علمی، مقالات، کتاب‌ها و منابع موجود در ارتباط با ساختمان کنگره ملی و نظریه‌های نقد زبان و قدرت جمع‌آوری شده است. این بخش شامل مطالعه مباحث نظری مرتبط با زبان، فضا و قدرت به ویژه در معماری است. این بررسی‌ها نشان می‌دهند که چگونه مدل‌های نقد زبان، قدرت و نیرو می‌توانند به درک بهتر ارتباطات پیچیده میان زبان و معماری کمک کرده و ابعاد مختلف اثر معماری را مورد بررسی قرار دهند. با توجه به این رویکردهای تحقیقاتی، مقاله قادر است به تجزیه و تحلیل عمیق‌تری از ساختمان کنگره ملی برزیل بپردازد و ابعاد مختلف قدرت و زبان را که در طراحی و ساخت این بنای معماری تأثیرگذار بوده‌اند، روشن سازد.

تحقیق بر مبنای نظریه‌ها و مفاهیم موجود پیرامون نقد زبان، قدرت و نیرو می‌باشد و بیشتر بر تحلیل‌های نظری تمرکز دارد. هدف اصلی این تحقیق ایجاد درکی عمیق‌تر از تأثیرات زبان و قدرت بر طراحی و عملکرد فضایی ساختمان کنگره ملی برزیل است. یافته‌های این تحقیق می‌تواند به معماران و محققان در زمینه درک بهتر ساختارهای فضایی کمک کند. همچنین با استفاده از رویکرد توصیفی، ویژگی‌ها و عناصر کلیدی ساختمان کنگره ملی برزیل را تشریح کرده و سپس به تحلیل و تفسیر این عناصر در زمینه ارتباطات قدرت و زبان می‌پردازد. این مطالعه بر روی یک دوره زمانی خاص و مشخص متمرکز است و به بررسی حالت‌ها و ویژگی‌های جاری اثر معماری کنگره ملی می‌پردازد.



شکل ۱: خلاصه روش تحقیق (ماخذ: نگارندگان)

مبانی نظری تحقیق

زبان معماری یا کلی تر، زبان هنر از شفافیت کافی برخوردار نیست، از این رو معماری را نمی توان از جنبه های ارتباطی مورد نقد قرار داد. معمار آغازگر مکالمه و در ابتدایی ترین نقطه گفتگو قرار می گیرد. خود اثر معماری دیگر موضوعی است که می تواند به تنهایی در کانون توجه قرار گیرد و در نهایت نوبت به مخاطب به مثابه نقطه پایانی مکالمه هنری می رسد که پذیرنده محتوایی است که در قالب اثر معماری بر او عرضه شده است (مهدوی نژاد، محمدجواد، ۱۳۸۴:۷۰). مناسبت نقد با اثر همان مناسبت یک معنا با یک فرم است (بارت، رولان، ۱۳۹۸:۷۳). نقد معماری، نیازمند یک دستگاه است. دستگاه، مجموعه ای است که اجزای آن در ارتباطی تعریف شده و با مسئولیت های مشخص، هدف واحدی را تعقیب می نمایند. دستگاه تعریف شده، ماتریسی است مرکب از سطر عرصه های معماری و ستون معیارها (منصوری، سیدامیر، ۱۳۷۹:۷۶)

• عرصه های نقد معماری

(۱) مطالعه و برنامه ریزی: این عرصه، اولین قدم در راه شکل گیری اثر معماری است. در این مقوله، علاوه بر ارزیابی مطالعات طرح و تطبیق آن با نیازهای ساختمان به مکانیابی بنا نیز پرداخته می شود؛ (۲) نقشه معماری: موضوع پلان معماری، دارای دو جنبه اصلی است: عملکردی و هنری؛ جنبه عملکردی نقشه معماری، نحوه پاسخگویی طرح و پلان به ضرورت های عملکردی است؛ جنبه هنری نقشه معماری، می تواند واجد کیفیتی باشد که در عین پاسخگویی استاندارد، روان و منطقی به عملکردها، خالق فضاهایی مطبوع برای استفاده کنندگان باشد. این کاری است که چگونگی پلان معماری به آن می پردازد؛

(۳) جلوه بیرونی ساختمان: مهمترین وجه ارتباط ساختمان با افراد ناظر آن، جلوه بیرونی بناست. جلوه بیرونی بنا، محل تبلور اصلی ترین معیارهای غیر عملکردی ساختمان است. در این زمینه، نسبت ساختمان با سیمای محیط، ترکیب حجمی، رنگ آمیزی، نماسازی، توجه به جلوه های سنتی و تاریخی، بومی بودن و امثال این مقولات، مورد دقت قرار می گیرد؛

(۴) عناصر توزیعی بنا: به جزئی از بنا گفته می شود که از لحاظ عملکردی، استقلال داشته باشد و از لحاظ حجم و شکل نیز به صورت یک کل، قابل بررسی باشد. هشتی ورودی، حیاط مرکزی، ایوان و مدرس نمونه های عناصر توزیعی در معماری ایران هستند؛

(۵) فضای معماری: معماری پدیده ای است که در فضا حیات می یابد. با حذف فضا از معماری، به مجسمه ای دست خواهیم یافت که تنها برای ناظر خارجی محسوس و قابل درک است. و یکی از اهداف مهم طراحی است که به دست معمار کنترل و هدایت می شود؛

• معیارهای نقد معماری

در میان معیارهای متنوع نقد معماری، ۶ گروه اصلی تشخیص داده می شود (منصوری، سیدامیر، ۱۳۷۹: ۷۸-۷۷): (۱) نوآوری؛ (۲) ارتباط با سنت و تاریخ؛ (۳) زیبایی؛ (۴) جنبه های محیطی؛ (۵) پاسخ به عملکرد؛ (۶) اقتصاد بنا.

• مناظر شش گانه تحلیل یک اثر معماری

برخورد با معماری به مثابه یک موضوع ارتباطی میان معمار و مخاطب است. بر اساس چنین رویکردی می توان از دانشجویان خواست تا از شش منظر به تحلیل یک اثر معماری بپردازند (مهدوی نژاد، محمدجواد، ۱۳۸۴:۶۹). در جدول (۲) مناظر شش گانه تحلیل یک اثر معماری نمایش داده شده است.

جدول ۲: مقایسه گروه‌ها و شیوه‌های نقد معماری

نحله های نقد		
کلاسیک		اغلب شیوه های سنتی
رومانتیک	ایده های معنوی و تقویت نیت سازنده	اغلب شیوه های مدرن
	فرم بنا و تناسبات بصری	
زمینه ای		
	تقویت خلاقیت در انتخاب روش و تکنولوژی ساخت	اغلب شیوه های جدید

(ماخذ: مهدوی نژاد، محمدجواد، ۱۳۸۴:۷۵)

نظریه؛ (۲) آزمون تجربی فرضیات؛ (۳) پرهیز از نظریه پردازی؛ عدم جهت گیری نظری در تحقیقات (انتقادی نبودن، محافظه کار بودن را هم می رساند)؛ (۴) نبودن ارتباط بین آراء نظری در تحقیقات و بخش ها یا نتایج عملی و نهایی تحقیق؛ (۵) استفاده همزمان از چند الگو یا مکتب نظری متفاوت بدون جهت گیری خاص؛ (۶) کمیت گرایی = تاکید و استفاده از ریاضیات و آمار (دقت کمی)؛ (۷) علیت یابی = توجه به روابط همبودی و همبستگی بین پدیده ها. بدین منظور در جدول زیر به شاخص پوزیتیویسم و اصول و قواعد مربوط به آن نیز پرداخته شده (کچویان، حسین و کریمی، جلیل، ۱۳۸۵:۴۵).

جهت دستیابی به هدف پژوهش حاضر؛ شناسایی وجه اشتراک نحله های متناظر "نقد ادبی" و "نقد معماری" و پی بردن به کانون توجهات مربوط به هر یک از نحله های نقد مذکور؛ می بایست به جدول فوق (گروه و شیوه های نقد معماری) که در پژوهشی با هدف "آموزش نقد معماری؛ تقویت خلاقیت دانشجویان با روش تحلیل همه جانبه آثار معماری" تنظیم گردیده است، شاخص پوزیتیویسم، در تناظر با روش نقد علمی (یکی از دیدگاه های رایج در نقد آثار ادبی) نیز اضافه گردد که روش شناسی آن بدین شرح می باشد: (۱) روش استقرایی؛ تاکید بر مشاهده عاری از نظریه؛ استفاده از آمار بدون مسبوق بودن به

• دیدگاه های نظریه پردازان

جدول ۳: نظریه پردازان متعدد در ارتباط با رابطه زبان و معماری

پیتر آیزنمن	پیتر آیزنمن یکی از معماران برجسته پست مدرن است که به روابط میان زبان، نشانه‌ها و معماری توجه می‌کند. او به بررسی چگونگی انتقال معنا از طریق زبان و فرم‌های معماری می‌پردازد و مفهوم "زبان به عنوان یک سیستم نشانه‌ای" را در طراحی‌های خود اعمال می‌کند. آیزنمن معتقد است که طراحی‌اش باید به صورت سازنده و انتقادی با زبان و معنای آن بازی کند.
لوکوربوزیه	لوکوربوزیه معتقد بود که معماری می‌تواند زبان خاصی را برای بیان مفاهیم اجتماعی و فرهنگی به کار بگیرد. او به زبان به عنوان ابزاری برای تعامل انسان‌ها با فضای ساخته‌شده نگاه می‌کرد و تأکید داشت که طراحی معماری باید به گونه‌ای باشد که معانی و پیام‌های مورد نظر را به خوبی منتقل کند. او همچنین از زبان هندسه در طراحی خود استفاده می‌کرد تا مفاهیم عمیق‌تری را در فضاسازی ایجاد کند.
الیسیا دلاپورت	الیسیا دلاپورت، یک معمار و نظریه‌پرداز معاصر، بر استفاده از زبان و نشانه‌ها در معماری تأکید می‌کند. او بر این باور است که معماری می‌تواند مانند زبان عمل کند و معانی را از طریق فرم و فضا به مخاطب منتقل نماید. او به نوعی "زبان معماری" اشاره می‌کند که شامل نمادها، اشکال و بافت‌ها می‌شود که در کنار هم معنای خاصی را ایجاد می‌کند.
رمی زوکی	رمی زوکی معمار معاصر دیگری است که به نظریه‌های زبان و معماری پرداخته و تأکید می‌کند که معماری باید به عنوان یک زبان بصری عمل کند و معانی را از طریق ترکیبی از فرم‌ها و فضاها ایجاد کند. او به این نکته اشاره دارد که انسان‌ها به‌طور طبیعی به زبان معماری و نشانه‌های آن پاسخ می‌دهند که بر احساس و تجربه فضایی آن‌ها تأثیر می‌گذارد.
فرانک گری	فرانک گری به رابطه میان زبان، معنا و معماری توجه دارد. او بر این باور است که هر پروژه باید یک روایت یا داستانی داشته باشد که از طریق فرم، رنگ و بافت به تصویر کشیده شود. طراحی‌های او معمولاً از زبان مجازی شامل فرم‌های نامنظم و نامتعارف الهام می‌گیرند که راوی هویت و مفهوم خاصی هستند.

(ماخذ: نگارندگان)

می‌کنند که معماری می‌تواند به عنوان زبان بصری عمل کند و معانی عمیقی را به مخاطب منتقل کند. این تحلیل‌ها، به توسعه نظریات و رویکردهای جدید در طراحی معمارانه کمک می‌کنند.

در نهایت، رابطه زبان و معماری موضوعی است که با توجه به دیدگاه‌های متفاوت معماران، به شیوه‌های مختلف تحلیل می‌شود. این معماران با توجه به تجارب و نظریه‌های خود، به بررسی نحوه تأثیر زبان، نشانه‌ها و مفهوم‌پردازی در معماری پرداخته و تأکید

جدول ۴: نظریه پردازان متعدد در ارتباط با در مورد رابطه قدرت و معماری

لوکوربوزیه	لوکوربوزیه بر این باور بود که معماری باید توانایی خدمت به انسان‌ها و جامعه را داشته باشد و در عین حال نمایانگر قدرت و نظم باشد. او با تأکید بر نظم هندسی و طراحی ساده، به نوعی سعی داشت تا قدرت اجتماعی و سیاسی را از طریق فضاهای عمومی و ساختمان‌های مدرن نمایان کند. در دیدگاه او، ساختمان‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که کارایی و هماهنگی را به تصویر بکشند و به انسان‌ها احساس نظم و امنیت ببخشند.
میس ونده روهه	میس ونده روهه از قهرمانان معماری مدرن است که تأکید زیادی بر اصول سادگی و کارایی داشت. او معتقد بود که معماری باید قدرت و توانمندی را از طریق ساختارهای ساده و شفاف منتقل کند. او باور داشت که معماری می‌تواند یک احساس قدرت را از طریق مصالح و تکنیک‌های مدرن انتقال دهد و فضای عمومی و خصوصی را با کمال دقت طراحی کند تا نمادی از قدرت و تأثیر اجتماعی باشد.
زها حدید	زها حدید به عنوان یکی از معماران پیشگام در طراحی فرم‌های نامنظم و منحنی، به نوعی قدرت نوآوری و چالش‌طلبی را در معماری معرفی کرد. او باور داشت که معماری می‌تواند فضای اجتماعی جدیدی را ایجاد کند که مردم را به مشارکت و تعامل ترغیب می‌کند. طراحی‌های او معمولاً با بیانی قوی و تأثیرگذار، قدرت و احساس مدرنیته را به تصویر می‌کشیدند.
فرانک لوید رایت	فرانک لوید رایت به پیوند عمیق میان معماری و بستر فرهنگی و اجتماعی جامعه قائل بود. او بر این نکته تأکید کرد که معماری باید منعکس‌کننده ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های جامعه باشد و در عین حال قدرتی در ایجاد هارمونی با طبیعت و محیط اطراف داشته باشد. رایت با طراحی فضاهایی که حس تعلق و امنیت را تقویت می‌کرد، سعی در انتقال یک نوع قدرت درونی به کاربران داشت.
پیتر آیزنمن	پیتر آیزنمن یکی از معماران پست‌مدرن است که به بررسی معنا و قدرت در معماری پرداخته است. او اعتقاد دارد که معماران با طراحی‌هایشان می‌توانند یا به قدرت بپردازند یا آن را به چالش بکشند. طراحی‌های آیزنمن اغلب به صورت متفکری و انتقادی به قدرت و ساختارهای اجتماعی نگاه می‌کند و هدفش ایجاد فضاهایی است که پرسش‌برانگیز و تعاملی باشد.

(ماخذ: نگارندگان)

خطوط منحنی و اشکال ارگانیک: نیمایر به جای استفاده از خطوط راست و زوایای تند، به طراحی فرم‌هایی با خطوط نرم و منحنی تمایل داشت. این رویکرد نه تنها زیبایی بصری را افزایش می‌دهد، بلکه حس حرکت و پویایی را در ساختمان‌ها ایجاد می‌کند.

هماهنگی با محیط: آثار نیمایر به گونه‌ای طراحی شده‌اند که با محیط طبیعی اطراف خود هم‌خوانی دارند. او به اصول زیست‌محیطی و ارتباط انسان با طبیعت توجه ویژه‌ای داشت و سعی کرد ساختمان‌هایش را به گونه‌ای بسازد که نه تنها با محیط سازگار باشند بلکه از زیبایی‌های آن نیز بهره ببرند.

فناوری و نوآوری: نیمایر از تکنولوژی‌های نوین در طراحی و ساخت ساختمان‌هایش بهره می‌برد. او به خصوص در استفاده از بتن مسلح و اشکال غیرمعمول، پیشرو بود و زمینه‌ساز نوآوری‌های بسیاری در معماری مدرن شد. تأکید بر تجربه فضایی: او به اهمیت تجربه فضایی کاربران در ساختمان‌ها توجه خاصی داشت. طراحی‌ها به گونه‌ای انجام می‌شد که تعاملات اجتماعی و تجربه‌های فردی به بهترین نحو ممکن صورت گیرد. دفاع از دموکراسی و حقوق بشر: نیمایر به عنوان یک معمار اجتماعی، آثارش را به گونه‌ای طراحی می‌کرد که نمایانگر ارزش‌های انسانی و اجتماعی باشد. او به نهادهای عمومی و مکان‌های اجتماعی تأکید داشت و این اصل را در طراحی‌هایش لحاظ می‌کرد. تعبیر فرهنگی و تاریخی: نیمایر به فرهنگ و تاریخ هر منطقه احترام می‌گذاشت و این تأثیرات

رابطه قدرت و معماری به وضوح نشان‌دهنده تأثیر متقابل این دو عنصر در یکدیگر است. معماران بزرگ با توجه به مد در جامعه، فرهنگ و ایدئولوژی‌های سیاسی، سعی در توسعه نظریات و فرم‌هایی دارند که بتوانند قدرت، هویت و احساس تعلق را به تصویر بکشند. این تفکرات نه تنها در زمینه‌های طراحی، بلکه در ایجاد فضاهای اجتماعی و سیاسی تأثیرگذار بوده و به شکل‌گیری هویت‌های مدرن کمک می‌کند.

بررسی مطالعه موردی

• نقد ساختمان کنگره ملی برزیل و اسکار

نیمایر

در این پژوهش به نقد و تحلیل بنای کنگره ملی برزیل می‌پردازد و ابعاد مختلف آن، از جمله تأثیرات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن را بررسی می‌کند. همچنین با توجه به دیدگاه‌های مختلف در زمینه معماری مدرن، سعی خواهیم کرد نقاط قوت و ضعف این اثر را با مفاهیم و اصول معماری در عصر حاضر مورد بررسی و ارزیابی قرار دهیم.

اسکار نیمایر، یکی از معماران برجسته و تأثیرگذاران بیستم، دلیل نوآوری‌ها و رویکرد منحصر به فردش در طراحی ساختمان‌ها شهرت دارد. او به ویژه به خاطر استفاده از خطوط منحنی و فرم‌های ارگانیک شناخته می‌شود که به آثارش زیبایی و لطافت خاصی می‌بخشد. در زیر به برخی از ویژگی‌های کلیدی رویکرد معمارانه نیمایر اشاره می‌شود:



نیمایر در طراحی این ساختمان به خوبی توانسته است از فضا استفاده کند. ورودی‌های وسیع و فضاهای عمومی شامل لابی‌ها و سالن‌ها به راحتی قابلیت دسترسی به این ساختمان را افزایش می‌دهد. این طراحی به مردم اجازه می‌دهد که با این مکان عمومی ارتباط برقرار کنند و آن را تجربه کنند.



شکل ۳: استفاده از بام ساختمان کنگره ملی برزیل به عنوان فضای بهینه

• ایجاد فضایی سمبلیک و فرهنگی

نیمایر به خوبی توانسته است که این ساختمان را به نمادی از دموکراسی و پیشرفت برزیلی‌ها تبدیل کند. گنبد منحنی شکل و فرم‌های انعطاف‌پذیر در طراحی به نوعی نمایانگر آزادی و تنوع فرهنگی این کشور هستند.

• تکنولوژی و مصالح

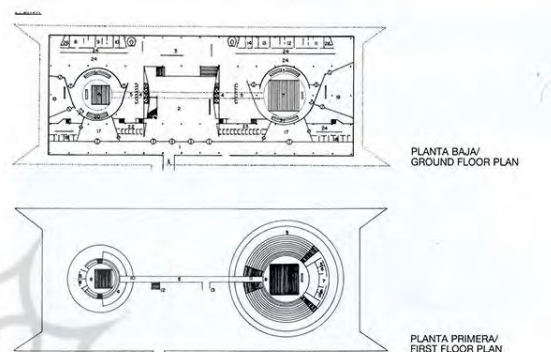
اسکار نیمایر همچنین در استفاده از مصالح و فناوری‌های نوین پیشگام بوده است. او با استفاده از بتن آرمه و تکنیک‌های جدید سازه‌ای موفق به خلق فضاهای بزرگ و باز در این ساختمان شده است. این امر به ساختمان اجازه می‌دهد که به عنوان یک فضای عمومی و اجتماعی فعال عمل کند.

• چالش‌ها و انتقادات

با وجود تحسین‌های بسیار، نظرات انتقادی نیز درباره این ساختمان وجود دارد. برخی از منتقدان به این نکته اشاره کرده‌اند که طراحی بیش از حد ارگانیک و نامتقارن ممکن است در برخی جنبه‌ها وابستگی به قضاوت هنری افراد را افزایش دهد و برخی افراد ممکن است آن را چندان جذاب ندانند.

را در طراحی‌های خود وارد می‌کرد. او با استفاده از نمادها و المان‌های محلی، به تجلی هویت فرهنگی در آثارش پرداخت. این رویکردها و ویژگی‌ها، نیمایر را به یکی از مهم‌ترین چهره‌های معماری معاصر تبدیل کرده و آثار او را در تاریخ معماری معتبر کرده است.

ساختمان کنگره ملی برزیل^۱ یکی از آثار شاخص معماری مدرن است که توسط معمار برجسته برزیلی، اسکار نیمایر، طراحی شده است. این ساختمان که در برزیل، پایتخت برزیل واقع شده است، نمادی برای تاریخ و فرهنگ این کشور به شمار می‌رود. در نقد این اثر معماری می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:



شکل ۲: پلان و تصویر ساختمان کنگره ملی برزیل

• طراحی منحصر به فرد

ساختمان کنگره برزیل به خاطر طراحی منحصر به فردش شناخته شده است. دو برج عمودی که به عنوان ساختمان سنای برزیل عمل می‌کنند و دو فرم هندسی منحنی که نمایانگر شورای ملی می‌باشند، این ساختمان را به یک اثر هنری تبدیل کرده است. همچنین استفاده از اشکال ارگانیک و خطوط نرم در طراحی، جنبش مدرن را به خوبی در این اثر نمایان می‌سازد.

• استفاده بهینه از فضا

سارا دشت‌گرد و فهیمه عیبری: تتبع اثر معماری به کمک مدل نقد زبان، قدرت، نیرو نمونه موردی: ساختمان کنگره ملی برزیل

همچنین، مشکلاتی از لحاظ حفاظت و نگهداری این ساختمان در برابر آب و هوای گرم و مرطوب برزیل مطرح شده است. به طور کلی، ساختمان کنگره برزیل اثر اسکار نیمایر نه تنها یک فضای اداری و سیاسی، بلکه یک اثر هنری و فرهنگی است که تأثیرات عمیقی بر معماری مدرن دارد. از طریق طراحی

جدول ۵: خلاصه نمونه موردی بررسی شده تحقیق

تحلیل گفتمانی (براساس مدل فرکلاف)	توصیف و ویژگی‌ها	مولفه تحلیلی
بازتاب دهنده گفتمان توسعه و نظم مدرن در دوره ژوسلینو کوبیتشک	اسکار نیمایر، طراحی در دهه ۵۰ میلادی، بهره‌برداری رسمی در ۱۹۶۰	معمار و سال ساخت
توازن نمادین میان قدرت اجرایی و تقنینی	دو برج عمودی + یک گنبد معکوس + یک گنبد محدب	ترکیب حجمی و فرم کلی
تثبیت مرکزیت قدرت ملی	در امتداد محور قدرت شهر برزیل	محوریت و جانمایی شهری
بازنمایی گفتمان شفافیت و دموکراسی	میدان‌های وسیع، عدم وجود حصار	فضاهای باز پیرامونی
تاکید بر ثبات و اقتدار از طریق مقیاس	فرم‌های بزرگ مقیاس، استفاده از بتن	مقیاس و عظمت بنا
پیوستن به گفتمان شفافیت و دموکراسی	میدان‌های وسیع، عدم وجود حصار	فضاهای باز پیرامونی
تحمیل دید نمادین از قدرت	قابل مشاهده از ورودی شهر	جهت‌گیری بصری
رمزگذاری قدرت از طریق فرم	گنبدها، برج‌های دوقلو، تقارن	نشانه‌های کالبدی
بازنمایی دموکراسی در فرم، انحصار در عملکرد	فضای بیرونی باز، فضای درونی محدود	ارتباط با مردم
تثبیت روایت تاریخی مدرنیسم	الهام از ایده پیشرفت و وحدت ملی	روایت تاریخی
معماری به مثابه ابزار هویت‌سازی سیاسی	حضور در اسکناس‌ها و رسانه‌ها	هویت ملی و رسانه
ایجاد ساختار سلسله‌مراتبی در فضا	نمایندگان فاعل، مردم تماشاگر	تجربه فضایی

(ماخذ: نگارنده، ۱۴۰۴)

بحث و تحلیل یافته‌های کیفی تحقیق

• چهارچوب نظری پژوهش

پروفسور پیتز کالینز در کتابش "قضاوت معماری" در سال ۱۹۷۱ به ما یادآور می‌شود که: "... فقط یک معمار تربیت شده بر ظرافت پر اهمیت یک بنای صحیح ساخته و کارکرد درست آن حساس است. عوام، مهارت خبره‌ها را سطحی قضاوت می‌کنند و حوصله نکات فنی را ندارند". ... یک منتقد در حد فاصل مهارت‌های حرفه‌ای و نظریات غیر تخصصی می‌تواند مفید باشد (رئیسی، ایمان، ۱۳۹۸: ۵۳). لذا، جهت انجام یک نقد مفید می‌بایست در برزخی میان مهارت‌های حرفه‌ای و نظریات غیر تخصصی واقع شد. بنابراین می‌توان اینگونه استنباط کرد که جهت پرداختن به نقدی جامع در حیطه معماری، یکی از راهکارها، ایجاد تعاملی میان نقد معماری و نقد سایر رشته‌ها بوده و نتیجه آن رسیدن به نقدی کارا برای مخاطبین عام و خاص است. در پژوهش حاضر تمرکز بر روی ایجاد تعامل میان نقد معماری (مهارت‌های حرفه‌ای برای شخص معمار) و نقد ادبی (نظریات غیر تخصصی برای شخص معمار) صورت گرفته. بدین منظور، روش‌های نقد معماری عنوان شده در تحقیق حاضر جهت کاربرد برای دانشجویان رشته معماری از پژوهشی با هدف "آموزش نقد معماری؛ تقویت خلاقیت دانشجویان با روش تحلیل همه جانبه

آثار معماری" استخراج گردیده و روش‌های نقد ادبی مطرح شده نیز شامل تمامی روش‌های دریافت شده از منابع مختلف توسط نگارندگان می‌باشد. جدول ۲ وجه اشتراک نحله‌های "نقد ادبی" و "نقد معماری" را به نمایش گذاشته است.

اومبرتو اکو در مقاله "زبان قدرت نیرو" به بررسی رابطه بین زبان، قدرت و نقد می‌پردازد. او به این موضوع اشاره می‌کند که زبان نه تنها ابزاری برای ارتباط، بلکه ابزاری قدرتمند برای اعمال قدرت و نفوذ است. در این زمینه، نقد به عنوان عملی که می‌تواند ساختارهای قدرت را زیر سوال ببرد و آن‌ها را تحلیل کند، مورد توجه قرار می‌گیرد. اکو به نقش نقد در تفکیک و تحلیل زبان و گفتمان‌های حاکم اشاره می‌کند و به‌ویژه بر این نکته تأکید دارد که نقد می‌تواند به بازنمایی قدرت‌های موجود و چگونگی تأثیرگذاری آن‌ها بر زندگی اجتماعی و فرهنگی کمک کند. او همچنین به این موضوع می‌پردازد که زبان چگونه می‌تواند به‌گونه‌ای طراحی شود که در خدمت مقاصد خاص قدرت‌ها باشد و از این رو، ضرورت شناخت و نقد این ساختارها برای جلوگیری از سوءاستفاده‌ها و استبدادهای زبانی را مطرح می‌کند. در نهایت، اکو می‌گوید که هر نوع انتقادی باید با توجه به زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی آن جامعه انجام شود و این نقد باید به‌عنوان یک ابزار برای ایجاد آگاهی و تحولات اجتماعی در نظر گرفته شود. این

اكو به اين نکته اشاره می‌كند كه نحوه طراحی فضاها می‌تواند تأثیر عمیقی بر رفتار و رویکرد افراد داشته باشد. كنگره ملی برزیل با فضای باز و معماری مدرن خود، سعی دارد تا رابطه‌ای نزدیک‌تر بین مردم و نهادهای دولتی برقرار كند. استفاده از فضاهای عمومی و ایجاد دسترسی برای شهروندان به این نهاد، می‌تواند یادآور دموکراسی و شفافیت باشد.

• تأثیر معماری بر هویت ملی

معماری می‌تواند نماد هویت ملی باشد. كنگره ملی برزیل با طراحی خاص خود، هویت فرهنگی و تاریخی برزیل را به نمایش می‌گذارد. این بنا به عنوان یک نشانه‌ی معماری مدرن شکل گرفته و در عین حال با ارزش‌ها و فرهنگ محلی همسو است. نقد ساختمان كنگره ملی برزیل از منظر نظریه قدرت و نیرو اومبرتو اكو، ما را به درک عمیق‌تری از ارتباط بین معماری، نشانه‌ها و قدرت سیاسی هدایت می‌كند. معماری یک رسانه قوی است كه نه تنها می‌تواند تصویری از قدرت را منعكس كند، بلکه تأثیر عمیقی بر رفتار و تصورات عمومی دارد. این نقد می‌تواند به شناخت بیشتر از مفهوم معماری و نقش آن در هویت ملی و اجتماعی بپردازد.

رویکرد به نقد زبان و قدرت، به خواننده كمک می‌كند تا رابطه پیچیده میان ساختارهای زبانی و قدرت‌های اجتماعی را بهتر درک كند.

• نظریه قدرت و نیرو اومبرتو اكو

اومبرتو اكو، نویسنده و فلسفه‌شناس ایتالیایی، نظریه‌های متنوعی در زمینه معنا، علامت و قدرت دارد. او به بررسی نشانه‌ها و نمادها در فرهنگ و هنر می‌پردازد و توجه خاصی به کاربرد آن‌ها در ایجاد مفهوم و روایت دارد. در نقد ساختمان‌های عمومی مانند كنگره ملی برزیل، می‌توان از نظریه اكو برای تجزیه و تحلیل رابطه بین قدرت، نشانه‌ها و معماری استفاده كرد.

• معماری به عنوان نشانه قدرت

ساختمان‌های دولتی مانند كنگره ملی نمایانگر قدرت سیاسی و اجتماعی یک کشور هستند. طراحی ساختمان به گونه‌ای كه شكوه، عظمت و همچنین بازتابی از ارزش‌های ملی را به نمایش بگذارد، هدف اصلی معماران از جمله نیمایر بوده است. این ساختمان با فرم‌های منحنی و نمای الهام‌بخش خود، سعی در ایجاد حسی از احترام و اهمیت دارد.

• قدرت در فضا و طراحی



شکل ۴: خلاصه نقد ساختمان كنگره برزیل (ماخذ: نگارندگان)

بهره‌گیری از مدل نقد زبان، قدرت و نیرو، توانستیم به تحلیل پیچیدگی‌های پنهان در طراحی و کارکرد این بنا بپردازیم. این تحلیل نشان می‌دهد كه چطور زبان معماری، به نمایندگی از فرهنگی خاص و فرآیندهای سیاسی، می‌تواند به ابزاری برای بیان قدرت تبدیل شود. ساختمان كنگره ملی، كه توسط اسكار نیمایر طراحی شده، نمایانگر پیشرفت‌های اجتماعی و ایدئولوژیکی برزیل

نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد كه ساختمان كنگره ملی برزیل، به عنوان یک اثر معماری برجسته، نه تنها از نظر زیبایی‌شناسی و فرم، بلکه از منظر اجتماعی و سیاسی نیز بار معنایی عمیقی دارد. با

سارا دشت‌گرد و فهیمه عیبری: تتبع اثر معماری به کمک مدل نقد زبان، قدرت، نیرو نمونه موردی: ساختمان کنگره ملی برزیل

در دهه ۱۹۶۰ است و به شکلی مؤثر، ایده‌های مربوط به دموکراسی و مشارکت را در بطن خود جا داده است. این بنا با فرم‌های منحنی و طراحی ارگانیک خود، نه تنها یک فضای عملکردی برای قانون‌گذاری ایجاد کرده، بلکه به وسیله شکل و نمای آن، تأثیراتی عمیق بر هویت ملی و تصویری مثبت از آینده اجتماعی برزیل است.

نتیجه‌گیری نهایی این است که مطالعه و تحلیل این نوع آثار (فن معماری) نیازمند رویکردهای چندوجهی و عمیق برای درک بهتر

جدول ۲: جدول تحلیل محتوای تحقیق

نیرو (پویایی/مقاومت)	قدرت (ایدئولوژی/ نهاد)	زبان (گفتمان/ نشانه‌ها)	مؤلفه‌ها
قابلیت فرم در تولید مقاومت بصری یا خوانش متکثر	بازنمایی نظم و سلسله مراتب قدرت حاکم	فرم‌های نمادین (گنبد و برج) به عنوان نشانه‌های گفتار سیاسی	فرم معماری
امکان بازتعریف مسیرها توسط کاربران یا تغییر کاربری فضا	اعمال کنترل از طریق مرزگذاری فضایی و تفکیک کارکردها	ترتیب و سلسله مراتب فضایی (ورود، سیرکولاسیون، تقسیم‌بندی فضاها)	فضا و سازماندهی پلان
واکنش‌های مردمی به تمرکزگرایی، یا بازخوانی فضا در بستر زمان	تجلی پروژه قدرت دولت مدرن و مرکزیت ملی	قرارگیری نمادین در پایتخت (برزیل) به عنوان بیانیه‌ای مدرن‌گرایانه	مکان‌یابی اثر
امکان تولید گفتمان‌های متضاد با تفاسیر انتقادی از سبک	زبان معماری مدرن به عنوان ابزار اعمال قدرت ایدئولوژیک	استفاده از سبک مدرن (سطوح صاف، بتن، سادگی) به مثابه زبان جهانی	زبان بصری
امکان مقاومت کاربران در برابر نظم فضایی یا بازتعریف تجربه فضایی	کاربر به عنوان دریافت‌کننده پیام‌های قدرت	تعامل کاربر با فضا چگونه گفتار معماری را رمزگشایی می‌کند	نقش مخاطب/ کاربر
مقاومت سنت‌ها یا گروه‌های اجتماعی در برابر پروژه مدرن‌سازی	هماهنگی با اهداف دولت برای بازسازی هویت ملی	بازنمایی گفتمان نوسازی و پیشرفت در دوره ساخت	بستر فرهنگی- سیاسی

(ماخذ: نگارنده، ۱۴۰۴)

منابع

- ابراهیمی، مختار و توکلی دارستانی، حامد. (۱۳۹۹). بررسی نسبت زبان و قدرت در داستان عاشقیت در پاورقی براساس نظریه قدرت میشل فوکو. پژوهش‌نامه ادبیات داستانی، ۴۹(۴).
- افشین‌وفایی، محمد و فیروزیان حاجی، مهدی. (۱۴۰۱). زبان قدرت در عناصر زبانی و ساختاری مناقب اوحالدین کرمانی. دوفصلنامه زبان و ادب فارسی، ۷۵(۲۴۶).
- اکبر زاده، محسن؛ پیروای ونک، مرضیه؛ مظفر، فرهنگ؛ مقاله نقد معماری مسجد نصیرالملک شیراز براساس نصوص دینی، نشریه علمی باغ نظر، صفحه ۵۵-۷۰، آذر ۱۳۹۸.
- پور مهدی قائم مقامی، حسین؛ پرسش از زبان معماری در امتداد زبان هستی، نشریه معماری اقلیم گرم و خشک، سال پنجم، بهار و تابستان ۱۳۹۶.
- خصم افکن نظام، عرفان؛ نویدی مجد، فرشته؛ فرآیند دستیابی به زبان معماری واکنش‌گرا به بستر با بهره‌گیری از برنامه دهی دورک، فصلنامه علمی تخصصی معماری سبز، شماره ۱۱، تابستان ۱۳۹۷.
- دانایی فر، مطهره؛ تفضلی، زهره؛ نظریه‌های اصلی نقد معماری درمغرب زمین: سیر تاریخی ازسده نوزدهم تا امروز، فصلنامه علمی معماری و شهرسازی؛ سال سی و یکم، شماره ۹۲، بهار ۱۴۰۰.
- دیوان بیگی، پوریا؛ خاندو، نسیم؛ تحلیل روش‌های طراحی آثار معماری اسکار نیمایر، کنفرانس بین‌المللی یافته‌های نوین پژوهشی در علوم، مهندسی و فناوری، سال ۱۳۹۵.
- رحمانی، الهه؛ اعتصام، ایرج؛ مختاباد امرئی؛ مصطفی؛ تحلیلی بر چگونگی نقد و ارزیابی آثار معماری آوانگارد، باغ نظر، سال چهاردهم، شماره ۵۰، مرداد ۱۳۹۶.
- رحیمی اتانی، سمیرا؛ بذرافکن، کاوه؛ رئیسی، ایمان؛ بازخوانی اثر معماری به کمک مدل نقد بینامتنی نمونه موردی: مسجد ولیعصر، نشریه علمی باغ نظر، اردیبهشت ۱۳۹۹.
- کریم زاده، سپیده و اعتصام، ایرج و فروتن، منوچهر و دولتی، محسن، (۱۳۹۷). "روایت معماری؛ مطالعه تطبیقی روایت در معماری و داستان"، کیمیای هنر، شماره ۲۸، صص ۹۳-۱۰۷.
- رحیمی، س.، بذرافکن، ک.، و رئیسی، ا. (۱۳۹۹). بازخوانی اثر معماری به کمک مدل نقد بینامتنی؛ نمونه موردی: مسجد ولیعصر. ماهنامه علمی باغ نظر رضایی‌پور، علی و نوری، سیده فاطمه. (۱۴۰۳).
- تحلیل گفتمان انتقادی زبان قدرت و نفوذ در متون

- Gehlot, K, Ani Mishra, S, Trivedi, K, (۲۰۱۸). "LITERARY ARCHITECTURE", International journal of research- granthaalayah, p۱۲۲.
- Grincer, D. (۲۰۱۶). Architecture as Cultural and Political Discourse: Case Studies of Conceptual Norms and Aesthetic Practices. Routledge
- Lacerda, D. S. (۲۰۱۵). Rio de Janeiro and the divided state: Analysing the political discourse on favelas. Discourse & Society, ۲۶(۱), ۷۴-۹۴
- Persson, E., & Moretto Neto, L. (۲۰۱۸). Ideology and discourse in the public sphere: A critical discourse analysis of public debates at a Brazilian public university. Discourse & Communication, ۱۲(۳), ۲۳۵-۲۵۴
- Resende, V. M. (۲۰۰۹). 'It's not a matter of inhumanity': A critical discourse analysis of an apartment building circular on 'homeless people'. Discourse & Society, ۲۰(۴), ۴۲۳-۴۴۲

ادبی دوران مشروطه با تأکید بر اشعار عارف قزوینی و میرزاده عشقی. گنجینه زبان و ادبیات فارسی، (۱)۲.

- سیویلیکا، مقالات علمی کنفرانس و ژورنال
- شریف‌زاده، شقایق و صدرزاده اردبیلی، ماندانا. (۱۴۰۳). تعاملات میدان قدرت در فضای جامعه‌متنی درخت انجیر معابد اثر احمد محمود: تحلیل گفتمان. پژوهش‌های زبان‌های خارجی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۴(۲).
- کوچکیان، مسعود و نوروز برازجانی، ویدا، (۱۳۹۳). "جایگاه نقد در معماری ایران نسبت به توپوگرافی نقد در معماری غرب"، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲، صص ۶۷-۷۶.
- مسعودی فرد، مسعود؛ کوچکیان، مسعود؛ پدیداری زبان معماری و شهرسازی اسلامی در بروز حقیقت اثر معماری؛ رویکردی کیهان شناختی و شناخت شناختی، نشریه مدیریت شهری و روستایی، شماره ۳۲، صفحات: از ۱۰۱ تا ۱۲۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۲
- مقاله گفتمان هندسه قدرت در معماری ناجای آینده. (۱۳۹۶). فصلنامه علمی مطالعات راهبردی ناجا، (۳)۲.

